

«ریتم» در موسیقی ایران

فرهاد فخرالدینی

- ۴ -

اگر این هفت زمان را بدین صورت تقسیم کنند یعنی دو و تد و یک سبب خفیف ثقیل ثانی را به دو سبب خفیف در طرفین و یک فاصله صغری در وسط تبدیل کنند مانند تن تن تن تن بر وزن مفتعلاتن آنرا غوریانه خوانند

م م م م = ۸

و بان مخمس وسط نیز گویند .

۳- خفیف ثقیل که از پشت سر هم قرار گرفتن چهار تن تن (یعنی سبب خفیف و سبب ثقیل) دور آن تشکیل میشود . مانند تن تن تن تن تن تن تن تن که در میزانی مانند $\frac{2}{8}$ بر احتی می‌کنجد .

م م م م م م م م = ۱۶

اگر ۱۶ زمان خفیف ثقیل را باین شکل اجرا کنند مخمس نامیده

میشود زیرا حرکات دور آن پنج است مانند تن تنن تنن تنن تن

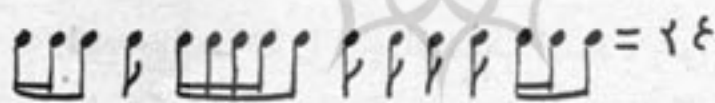
۱۶ = 

۴- ثقیل رمل در آن شامل ۲۴ واحد زمانی است مانند تنن تنن تن تن تن تن تن تن تن تن و جمیع عجم مینامند .

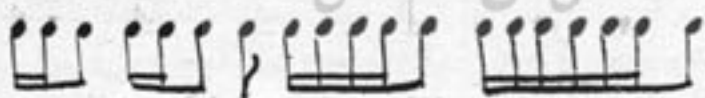
۲۴ = 

این قسم را «ضرب الاصل» مینامند و اکثر تصنیفات قدما بر این دور است. ضرب الاصل (ضرب قوی) آن نقره اولی از فاصله اولی و نقره دومی از شش سبب خفیف در شکل فوق با علامت (د) مشخص شده است .

باین دور در عرف فارسی (شادیانه) هم میگویند .
اگر بجای فاصله صغری دوم (تننن دومی) و دو سبب خفیف اولی و دومی (تن تن) یک سبب خفیف (تن) و یک زمان سادسی (برابرش واحد زمانی) قرار دهند مانند تنن تن تنن تن تن تن تن تن تن که آنرا «چهار ضرب صغیر» گویند .

۲۴ = 

و اگر آنرا به این صورت یعنی تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن اجرا کنند اوسط و نیم ثقیل خوانند .



۱- نام ضرب الاصل در اشعار شاعران نامی ایران ذکر شده است .

سعدی میگوید :

چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

بدوستی که زدست تو ضربت شعشیر

و حافظ میگوید :

بقول و غزل قصه آغاز کن

مغنی نوای طرب ساز کن

بضرب اصولم بر آور زجای

که بارغمم بر زمین دوخت پای

«ریتم» در موسیقی ایران

فرهاد فخرالدینی

- ۴ -

اگر این هفت زمان را بدین صورت تقسیم کنند یعنی دو و تد و یک سبب خفیف ثقیل ثانی را به دو سبب خفیف در طرفین و یک فاصله صغری در وسط تبدیل کنند مانند تن تنن تن بروزن مفتعلاتن آنرا غوریانه خوانند

م م م م م م م = ۸

و بان مخمس وسط نیز گویند .

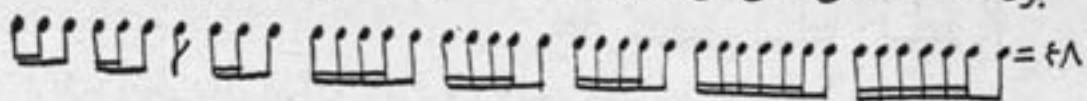
۳- خفیف ثقیل که از پشت سر هم قرار گرفتن چهار تن تن (یعنی سبب خفیف و سبب ثقیل) دور آن تشکیل میشود . مانند تن تن تن تن تن تن تن تن که در میزانی مانند $\frac{2}{8}$ بر احتی میگذرد .

م م م م م م م م م م م م = ۱۶

اگر ۱۶ زمان خفیف ثقیل را باین شکل اجرا کنند مخمس نامیده

و دو برابر آنرا ثقیل گویند که دور آن شامل ۴۸ واحد زمانی خواهد

بود. مانند تنن تنن تن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن



حال اگر این ۴۸ واحد زمان را طوری تقسیم کنند که ابتدا يك دسته ۸ زمانی و سپس دو دسته چهار زمانی باشد آنرا چهار ضرب خوانند بشرط آنکه زمان ثامن و دو فاصله صغری (تنن تنن) مجاور آنرا یکف نگاه دارند و فاصله سوم و چهارم را با انگشتان سبابه و ابهام و فاصله پنجم را یکف و فاصله ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را بخنصر و بنصر و وسطی و سبابه و ابهام نگاه دارند باین صورت .

تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن
ك
تنن تنن
سبابه ابهام



و این چهار ضرب را «چهار ضرب اوسط» خوانند
حال اگر این «چهار ضرب اوسط» را مضاعف کنیم شامل ۹۶ واحد زمان

میکردد باین صورت

تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن
ك ك

تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن تنن
ب ب و و س س ا ا

که «چهار ضرب کبیر» گویند .



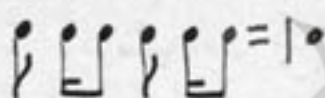
چهار ضرب اوسط و چهار ضرب کبیر هر دو در غالب میزانی مانند ۲/۲
 بر احمی می گنجند اولی شامل شش میزان و دومی شامل دوازده میزان خواهد بود.
 ۵- رمل ۱ که زمان دور آن معادل با ۱۲ واحد زمانی است مانند تن
 تن تن تن تن تن . ضربهای قوی آن با علامت مشخص شده است (علامت د)



و اگر سبب (تن) سومی و چهارمی را بفاصله صغری تبدیل کنند مانند
 تن تن تن تن تن آنرا دویک خوانند



۶- خفیف رمل که شامل ده واحد زمانی است مانند تن تن تن تن تن تن




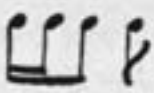
و اما هزج ۲ که صاحب ادوار آنرا از نظر زمان مساوی با خفیف رمل
 گرفته است تن تن تن تن تن



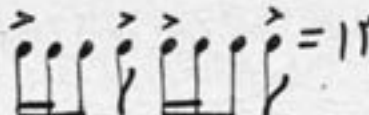
بعضی ها هر دور هزج را مرکب از شش واحد زمان میدانند و همینطور
 خفیف رمل را نیز عده ای مرکب از ۶ واحد زمان میدانند . اگر دوری مرکب

-
- ۱- صاحب فرهنگ آندراج درباره رمل چنین مینویسد ، (بحری از نوزده بحور شعر که وزنش اکثر چنین باشد فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن - این بحر را از آن رمل گویند که رمل در لغت حصیر بافتن است . چون ارکان این بحر را وتدی در میان دو سبب است و دو سبب در میان دو وتد پس گویا که اسباب او را با اوتاد بافته اند چنانکه حصیر را با ریسمان میبافند . و نزد بعضی مأخوذ از رملان باشد که بمعنی دویدن شتر است بشتاب چون این بحر بسرعت و شتاب خوانده میشود رمل نام کردند و این بحر هشت بار فاعلاتن است)
 - ۲- هزج در لغت بمعنی سرود و ترانه و آواز با ترنم است .

از يك سبب و يك فاصله باشد مانند تنن تنن (بوزن مفتعلن) $\frac{6}{8}$ = 


و یابعکس مانند تنن تن (بوزن فعلاتن)  آنرا هزج صغیر نامند که ایندو ریتم باجزئی اختلاف در آکسانهای ضربهای آن در قالب میزانی مانند $\frac{3}{8}$ می‌کنجد .

اگر هزج صغیر را مضاعف سازند مانند تنن تن تنن تن بوزن فعلاتن فعلاتن که آنرا اهل عراق «هزج جیز» و اهل خراسان «ره سماع» خوانند .

12 = 

که از نظر ارزش قابل مقایسه با میزانی مانند $\frac{6}{8}$ است که قسمت سوم هر ضرب آن نیز قوی قوی اجرا میشود .

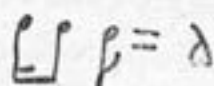
اگر سبب اولی (تن اول) و فاصله صغری دوم (تنن دوم) «هزج جیز» یا «ره سماع» بدو تند (دوتا تنن) تبدیل کنند یعنی باین صورت اجرا کنند تنن تنن تن بوزن متفاعلن فعولن آنرا هزج کبیر گویند .



۲ - واما «ضرب فاختی» که مخصوص ایرانیان بوده است و دور آن مرکب از ۲۰ واحد زمانی بوده و باین صورت اجرا میشده است .
تنن تن تنن تنن تن بوزن فعلن مفتعلن فعلن مفتعلن

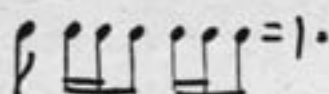
20 = 

و اما «فاختی صغیر» که مرکب از ۵ واحد زمانی میباشد مانند تنن تن بوزن فعولن .

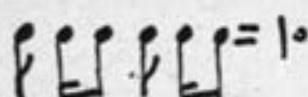
5 = 

«فاختی اوسط» که مرکب از ۵ واحد زمانی است مانند تنن تنن تنن

بروزن مفعلمن فعلن که دو برابر فاختی صغیر است.

۱۰ = 

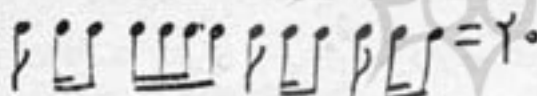
اگر فاختی صغیر را دو برابر کنند بنحوی که مرکب از این شکل باشد
تن تنن تن تنن «ترکی سریع» نامند .

۱۰ = 

و اگر ترکی سریع را مضاعف نمایند مانند تن تنن تن تنن تن تنن تن تنن
بروزن چهارتا فاعلن باشد . ولی باید دانست که استعمال آن غالباً چنان است
که بجای فاعلن اول (تن تنن اول) از فاصله کبری (تنننن) و بجای فاعلن سوم
و چهارم (تن تنن سوم و چهارم) از زمان عاشری (معادل ۱۰ واحد زمانی)
استفاده میشود مانند تننن تن تنن تنننننننن .

۲۰ = 

و گاه ممکن است که تن تنن دوم را بفاصله کبری (تنننن) تبدیل کنند
مانند تن تنن تننن-تن تنن تن تنن .

۲۰ = 

که باین «ترکی ضرب اصل» گویند . طالعات فریگی
اما «ترکی ضرب فرع» مرکب از دو و تد مقرون است مانند تنن تنن بر
وزن مفاعلن که با میزانی مانند ۶/۱۶ قابل مقایسه است .

۶ = 

«فاختی کبیر» که دور آن شامل ۲۰ واحد زمان است مانند تن تننننننن
تنننننننن .

۲۰ = 

میگویند «ضرب فاختی» را از آواز فاخته گرفته اند که آنرا کوکو نیز گویند و کوکو کو آواز اوست .

عبدالقادر مراغی نیز در کتاب خود مقاصد الالحن از دورهایی که ذکر شد نام برده و تشریح نموده است و علاوه بر آن میگوید ابن فقیر بیست دور اختراع کرده و در آنها تصانیف کثیره ساخته است و در کتاب مقاصد الالحن بعضی از آنها را ذکر کرده و بقیه را بکنز الالحن کتاب دیگر که متأسفانه اثری از آن در دست نیست محول داشته است .

منجمه پنج دور را اسم میبرد که عبارتند از . ضرب فتح . دور شاهی . قمریه . ضرب جدید . و دور ماتین .

در مورد ضرب فتح میگوید شامل پنجاه نقره است (۵۰ واحد زمان) و ده ضرب و ضرب اصل آن دو است شکل آن نشان داده نشده است .

در مورد دور شاهی میگوید شامل سی نقره است و نوزده مضروب که شاید از مجموع هشت و تد مجموع و سه سبب خفیف تشکیل میشده که مجموع آن سی نقره وعده ضربهای آن نوزده خواهد بود .

در هر حال شکل آن بر ما مجهول است .

در مورد قمریه میگوید . مشتمل است بر یک سبب خفیف و یک و تد مجموع و یک فاصله صغری و آن تقلید آواز قمری است مانند تن تن تن تن .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۹ =

و اما ضرب جدید شامل چهارده نقره و مرکب از دو فاصله صغری و دو و تد مجموع مانند تن تن تن تن تن تن .

۱۴ =

در مورد دایره ماتین میگوید همانطوریکه از اسمش پیدا است شامل دو و تد نقره بود که اگر با سباب تقطیع شود صد سبب میشود و اگر با و تاد (و تد مجموع) تقسیم شود شامل شصت و شش و تد و یک سبب میشود و اگر با فاصله صغری تقسیم

شود شامل پنجاه فاصله صغری خواهد بود .

دو ایرایقائی

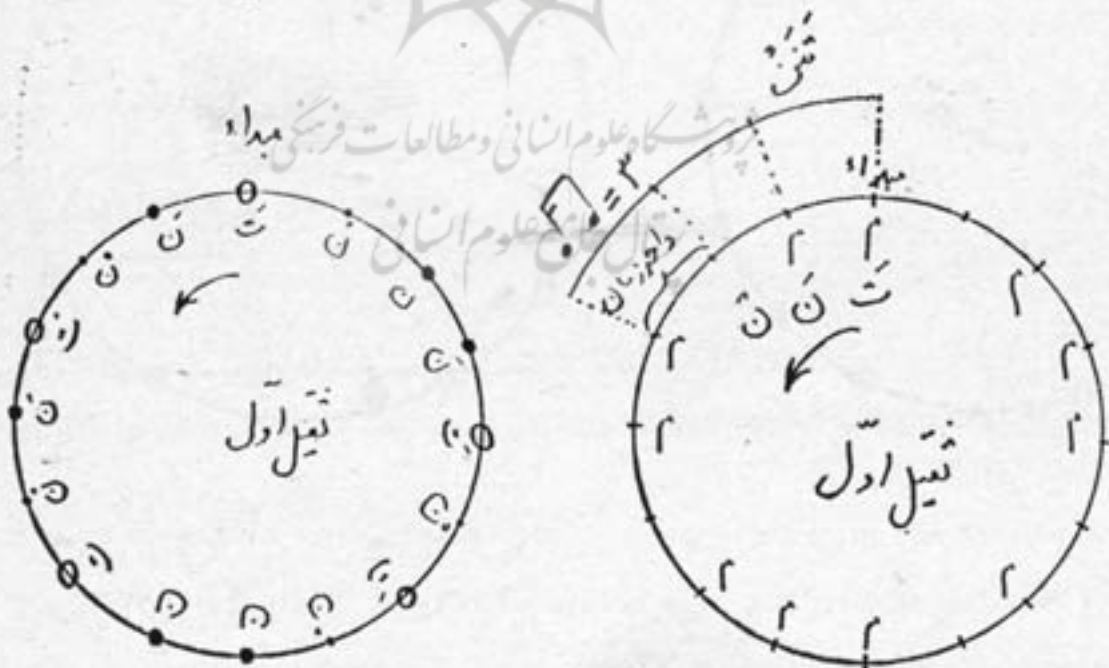
قدما ادوارایقائی را درپیرامون دایره‌ای نشان میدادند بدین معنی که نقطه‌ای بعنوان مبدا درپیرامون دایره انتخاب کرده و محیط دایره را به واحد زمان تقسیم میکردند و نقاط اتکا حرکت را با حرف (م) نشان میدادند و نقاط سکون (ن) را با علامت نقطه درروی محیط دایره نشان داده میشد .

لازم بتوضیح است که نقاط حرف (م) بعد از نقاط سکون معرف ضربه اصلی (ضرب قوی یات) و نقاط حرف (م) بعد از حرف (م) دیگر معرف نونهای صدا دار (ن) میباشد و برای اینکه اشتباهی رخ ندهد مادر اینجا نقاط اتکا حرکت (ضرب قوی) را با علامت (O) و نونهای صدا دار را با علامت (•) و نقاط سکون را با نقطه (.) نشان خواهیم داد .

در شکل زیر دایره ثقیل اول بدو طریق قدیم و جدید نشان داده شده

است .

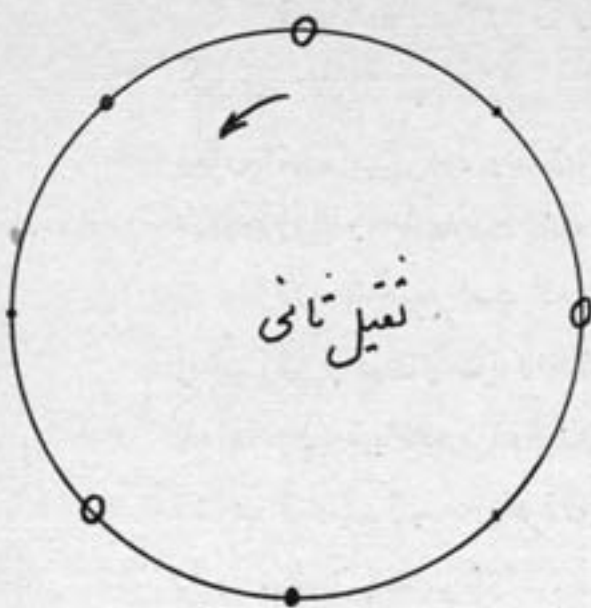
ت بجای •
ن " •
ن " •



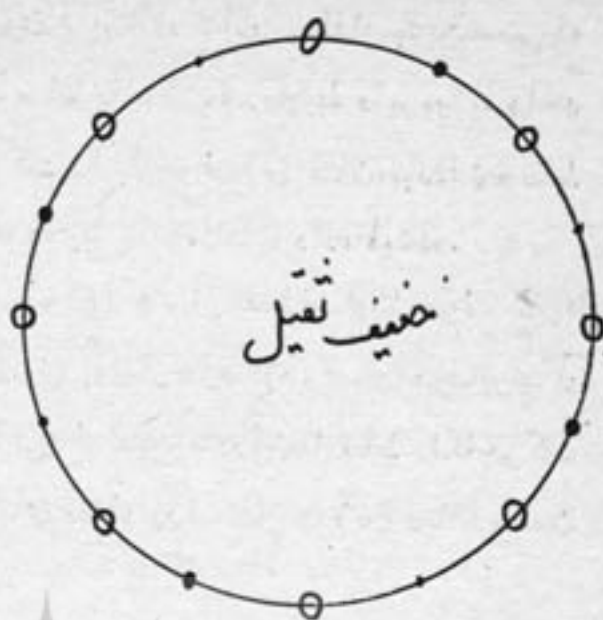
ت ن ت ن ت ن ت ن ت ن

در زیر جهت آشنائی بیشتر چند دایره ایقاعی دیگر نشان داده شده است.

مبدأ



مبدأ



مبدأ



مبدأ



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی